

سیده فاطمه ذوالقدر\*

## کودک همسری هویت کودکان را مخدوش می‌کند

ازدواج مهم‌ترین، ارزشمندترین و طولانی مدت‌ترین قراردادی است که هر فرد در زندگی خود آن را تجربه می‌کند. این در حالی است که برای تمامی قراردادهای داشتن حداقل سن قانونی ۱۸ سال یک جزء قانونی غیرقابل چشم پوشی است. حال آنکه در ازدواج که سرنوشت سازترین و بلندمدت‌ترین قرارداد زندگی شخصی است به دور از میل و اراده شخصی در ازدواج‌های زود هنگام اعتبار می‌یابد که این جای بررسی دقیق دارد.

موضوع کودک همسری یا ازدواج زود هنگام صرفاً به دختران محدود نمی‌شود؛ بلکه پسران نیز از این ظلم آشکار متأثر هستند، اما به واسطه آسیب‌های جسمی، روحی و روانی بیشتری که متوجه دختران است، موضوع ممانعت از کودک همسری برای کاهش این آسیب‌ها در دستور کار فراکسیون زنان مجلس قرار دارد و اهتمام جدی برای کاهش و از بین بردن این خشونت آشکار علیه دختران به کار بسته شده است.

در نشست‌های کارشناسی تخصصی که با مراجع عظام، متخصصان پزشکی قانونی، روانپزشکی، جامعه‌شناسان و حقوقدانان برگزار شد موضوع کودک همسری و آسیب‌شناسی آن از ابعاد گوناگون مورد توجه و بررسی قرار گرفت. بر این اساس آسیب‌ها را در دو بعد فردی و اجتماعی می‌توان بیان کرد. در بُعد فردی ازدواج زود هنگام دختران را بیشتر در معرض فقر سلامت جنسی، جسمی و روحی قرار می‌دهد.

### آسیب‌های تهدیدکننده

دختران در یک ازدواج تحمیلی زود هنگام به واسطه عدم امکان گذران دوران کودکی منزوی می‌شوند و به‌واسطه از دست‌دادن گروه هم‌صحبتان و همسالان خود برای معاشرت این انزوا روزبه‌روز تشدید می‌شود و آنها نه تنها کودکی را تجربه نمی‌کنند، بلکه به یک‌باره، پیش از آنکه بلوغ عقلی، روانشناختی و عاطفی لازم برای بارداری و قبول مسئولیت یک زندگی جدید را داشته باشند با دنیای بزرگسالان و ادبیات و گفتمان دنیای بزرگسالان که کاملاً با آن غریبه هستند و غیرقابل درک برای آنهاست مواجه می‌شوند و تن به رابطه‌ای باید بدهند که جز خشونت جسمی و جنسی تعبیری برای این دختران ندارد. در شرایطی که به لحاظ جسمی کمترین آمادگی را دارا هستند، بارداری‌های مکرر را تحت اجبار و فشار خانوادگی تجربه می‌کنند که به‌واسطه ضعف سیستم بدنی سلامت مادر و کودک با خطرات جدی مواجه می‌شود.

ازدواج زود هنگام دختران آنها را ناگزیر به ترک تحصیل می‌کند که کم‌سواد و تحصیلات پایین زمینه‌ساز برای سلامت و عزت نفس پایین و انزوای فردی می‌شود و این کودکان در چرخه بازتولید فقر قرار می‌گیرند تا کودکانی را متولد کنند که آنها نیز همین چرخه پوچ و شوم را ادامه دهند. آسیب‌های فردی ازدواج‌های زود هنگام صرفاً محدود به سطح فردی و خانوادگی نمی‌شود؛ بلکه کاهش سطح تحصیلات، افزایش بیماری‌های جسمی و جنسی و روانی که متوجه این کودک همسران است، افزایش نرخ خودکشی، فرآیند بازتولید فقر اقتصادی و فرهنگی، افزایش نرخ طلاق در میان کودک همسران و تجربه بیوگی در کودکی، بارداری‌های ناخواسته و زایمان‌های پرخطر و افزایش مرگ‌ومیر مادر عواملی است که به‌طور مستقیم اجتماع را از خود متأثر می‌کند و هزینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مضاعفی را بر دوش جامعه قرار می‌دهد؛ چرا که این ازدواج زود هنگام هویت این کودکان را مخدوش کرده و به نادرست بزرگسال نامیده می‌شوند. در حالی که این کودکان از نظر قدرت تصمیم‌گیری و استقلال درونی دچار کمبود هستند و نه کودک‌اند و نه بزرگسال.

هنجارها و الگوهای فرهنگی ناکارآمد، آداب و رسوم مسلط و کم ارزش دیدن دختران برخلاف باورهای دینی، نگاه اقتصادی به ازدواج دختران، نگرش‌ها و نگرش‌های جنسیتی و ساختار مردسالارانه و فشار اجتماعی، بی‌سوادی و سطح تحصیلات پایین در برخی مناطق به‌ویژه مناطق محروم، حاشیه‌ها و روستایی که تجربه فقر مادی و فرهنگی را توأمان تجربه می‌کنند، باعث استمرار و بازتولید پدیده کودک همسری می‌شود.

مهم‌ترین عامل را در ازدواج زود هنگام دختران در فقر فرهنگی می‌توان قرار داد، پیروی و تبعیت از رسوم بی‌پایه و اساس گذشته که ازدواج زود هنگام دختران را عاملی برای کاهش بار مسئولیت خانواده می‌دانند و به نوعی مسئولیت دختر داشتن و آسیب‌ها که می‌تواند متوجه دختر شود را به خانواده همسر منتقل می‌کنند، به همراه این انتقال، با گرفتن شیربها هم کسب درآمدی برای خود می‌کنند و هم سایر هزینه‌های دختر را به خانواده همسر انتقال می‌دهند. غافل از اینکه این مصداقی آشکار از خشونت جنسی و جسمی به کودکان است و با توجه به اینکه این دختران کمترین آگاهی و شناختی نسبت به نقش‌های جدید خود همسر بودن، مادر بودن، رابطه فامیلی و مناسبات آن ندارد، در معرض خشونت‌های خانگی از سوی همسر و خانواده همسر و اطرافیان قرار می‌گیرد.

با توجه به اینکه با ترک تحصیل فرصت پیشرفت در زندگی و آگاهی و شناخت را از او سلب کرده‌اند، خود این کودک ناخواسته و بدون شناخت و درک در تبعیت از هنجارهای اجتماعی و رسوم مطرودی قرار می‌گیرد که در آینده نیز مکلف به تکرار این چرخه می‌شود.

ازدواجی بی‌بهره

از سوی دیگر باید خاطرنشان کرد که ازدواج‌های زود هنگام از دو سطح عرف و عادت‌ها و رسوم سنتی و محلی و قوانین متأثر است که بعضاً دوگانگی در نوع نگاه و برخورد را به همراه دارد که اتخاذ راهکارها و رویکردهایی که بتواند این موضوع را به‌طور مناسب و شایسته سامان دهد با مشکلات چندی مواجه می‌شود.

باید در نظر داشته باشیم که ازدواج زود هنگام را توصیه دینی مطرح می‌کنند در حالی که در دین مبین اسلام، هر اقدامی که به سلامت روح و جسم و روان آسیب بزند حرام شناخته شده و آیت‌ها... مکارم شیرازی نیز حکم شرعی حرام بودن ازدواج زیر سن ۱۳ سالگی را صادر کرده‌اند، اما فقر فرهنگی، بی‌سوادی، کم سواد و تسلط رسوم ناصحیح مانع تبعیت از ارزش‌های دین مبین اسلام می‌شود و برای دور زدن از قوانین بسیاری از این ازدواج‌ها ثبت نمی‌شود و عدم ثبت قانونی، امکان ثبت تولد فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها وجود ندارد. دختران را از حقوق قانونی‌شان در صورت پایان یافتن وصلت زناشویی نیز بی‌بهره می‌گذارد.

واقعیت‌های اجتماعی موجود نشان می‌دهد که برای مبارزه با کودک همسری ما نیاز به اصلاح هنجارهای فرهنگی و اجتماعی در کنار قانون داریم. اصلاح ساختارها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی مستلزم استفاده از راهکارهای کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت است و یقیناً صرف اتکا به راهکارهای کوتاه مدت نمی‌توانیم این موضوع را حل و فصل کنیم. آگاه‌سازی همگانی و آموزش عمومی با استفاده از معتمدین محلی، پایگاه‌های مقاومت بسیج، مساجد، خانه‌های بهداشت و رسانه‌های محلی می‌تواند نقش تاثیرگذاری در این خصوص داشته باشد. به‌طور کلی یک سیستم قانونی قوی و کارآمد می‌تواند پشتوانه مهم برای بهبود خدمات، تغییرات در هنجارهای اجتماعی و توانمندسازی دختران باشد. فرآیند قانونگذاری با خود الزاماتی را به همراه می‌آورد که تا حد قابل توجهی به پیشگیری و جلوگیری از کودک همسری کمک می‌کند.

منبع: ارمان

\* نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس